

## سوره «فرقان» (۲۵)

وجه تسمیه

نام این سوره که از اولین آیه آن اخذ شده «فرقان» است که در لغت فارسی «شناخت» می باشد. کلمه فرقان که از «فرق» بلیغ تر است. به عنوان محک و معیاری که میانه حق و باطل را تمیز می دهد به کار می رود. بنابراین شناخت نیک و بد و تمیز و تشخیص میان خیر و شر با «فرقان» که یکی از نام های کتاب آسمانی «قرآن» است ممکن می گردد.

آنچه از طریق وحی بر پیامبر اکرم (ص) نازل گردیده است نام های متعددی مثل: قرآن، کتاب، نور، ذکر، بیان، حکم، کلام الله و... دارد که هر کدام بدلیل و از زاویه خاصی نامگذاری شده است. به همین ترتیب نام «فرقان» از آنجا که جدا کننده و فرق گذارنده میان حق و باطل است، برای بیان بعد ویژه ای از کتاب خدا. که در این سوره به طور اخص مورد توجه قرار گرفته گزیده شده است.<sup>۱</sup>

در این سوره کلمات متضاد و متباین، یا پدیده های متقارن و مترادفی برای تبیین دوگانگی حق و باطل بکار رفته اند که در رابطه با نام «فرقان» جالب توجه می باشد. از جمله: لیل و نهار، سبات و نشور، دگر و شکر، موت و حیات، اسراف و اقتدار، عذب فرات و ملح اجاج، سیئات و حسنات، بشیر و نذیر، سایه و گرمای تابش (ظل و حرور)، مد و قبض، ایمان و کفر و...

البته فرقان تنها نام کتابی که بر پیامبر اسلام (ص) نازل شده نیست، بلکه توراة نیز به

---

۱. اصولاً فرقان به شناخت و ابزار درک مسائل می گویند، همانطور که تقوی نیز وسیله و زمینه فرقان می گردد (ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا - انفال ۲۹).

همین عنوان نامگذاری شده<sup>۱</sup> و سایر کتب آسمانی هم باید فرقان باشند. علاوه بر آیه فوق، در دو آیه دیگر نیز، کتاب نازل شده بر پیامبر اسلام (ص) فرقان نامیده شده است:

۱- بقره ۱۸۵ (هدی للناس و بینات من الهدی والفرقان)

۲- آل عمران ۴ (وانزل التوراة والانجیل من قبل هدی للناس و انزل الفرقان)

### محتوی و مضمون

محتوای این سوره و محورهای اصلی آن را از سه آیه اول که جنبه مقدمه و فهرست دارد و آیه آخر آن که به عنوان نتیجه گیری تلقی می شود، می توان استخراج نمود. برخی از کلماتی که در این چند آیه به کار رفته اند در کل سوره جنبه کلیدی داشته و از آنها می توان برای فهم سوره و گشودن معضلات آن مدد گرفت. این کلمات را بر حسب اهمیتی که در سوره دارند فهرست وار ذکر می کنیم:

۱- عبده (نبوت پیامبر) - مسئله نبوت پیامبر (ص) و تکذیب قوم، اصلی ترین محور سوره است که حداقل در ۲۱ آیه (حدود ۳۰٪ کل سوره) به طور مستقیم به آن پرداخته است. باید توجه داشت این سوره در سالهای ۶ و ۷ بعثت یعنی در اوج تکذیب مشرکین و شکنجه و آزار آنها نازل شده است. بطور کلی ایرادهای مشرکین را، آنطور که در سوره نقل شده، می توان به ترتیب به چند دسته مستقل تقسیم کرد که از تکذیب حقیقت قرآن و نازل شدنش از جانب خدا شروع می شود و به تکذیب نبوت و قیامت و بالآخره تمسخر رسول و انکار «رحمانیت» خدا می کشد. بررسی این آیات، بترتیبی که در سوره نقل شده، از نظر روانشناسی انسانها و جامعه شناسی دینی قابل مطالعه و بررسی است و جبهه گیری و برخورد فکری با یک منطق جدید را بنمایش می گذارد. این آیات را بترتیب و برحسب شماره آیه بررسی می کنیم.

- |   |    |       |
|---|----|-------|
| ان هذا الا فک افتریه و اعانه علیه قوم آخرون           | ۴- | } ۱۰۱ |
| قالوا اساطیر الاولین اکتتبهما فهی تملی علیه...        | ۵- |       |
| و قالوا مال هذا الرسول یا کل الطعام و یمشی فی الاسواق | ۷- | } ۱۰۲ |
| لولا انزل الیه ملک فیکون معه نذیراً.                  |    |       |
| او یلقى الیه کثر                                      | ۸- | } ۱۰۳ |
| او تکون له جنة یا کل منه                              |    |       |

۱. در آیات: بقره ۵۳ (واذ آتینا موسی الكتاب والفرقان لعلکم تهتدون) - انبیاء ۴۸ (ولقد آتینا موسی و هارون الفرقان و ضیاء و ذکر للمتقین)

تکذیب  
قرآن

- و قال الظالمون ان تتبعون الا رجلا مسحوراً.  
 ۱۱- بل كذبوا بالساعة واعتدنا لمن كذب بالساعة  
 ۲۱- قال الذين لا يرجون لقاءنا لولا انزل علينا الملائكة جمله واحدة... تكذيب وحى (جبرئيل)  
 ۳۲- و قال الذين كفروا لولا نزل عليه القرآن جمله واحدة... تكذيب وحى (جبرئيل)  
 ۴۱- واذا راوك ان يتخذونك الاهزواً. اهذا الذى بعث الله رسولاً. (تمسخر و استهزاء) اوج تكذيب  
 ۶۰- واذا قيل لهم اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن. (تكذيب رحمانيت خدا)  
 ريشه اعتقادی تكذيب های فوق

۲- قرآن- آنچه پیامبر (ص) از طریق وحی برای مردم آورده، که در این سوره بنامهای فرقان، قرآن، ذکر و آیات نامیده شده، حداقل در ۱۱ آیه این سوره مورد بحث قرار گرفته است. از آنجایی که اولین موضوع مورد تکذیب مشرکین حقانیت قرآن و امکان نازل شدنش از طرف خدا بوده است، می توان این مسئله را از محورهای اصلی سوره تلقی کرد. ذیلا آیاتی که به کتاب خدا مربوط می شود نقل می گردد:

- آیه ۱- تبارک الذى نزل الفرقان على عبده...  
 ۴- و قال الذين كفروا ان هذا الا افك افتريه و اعانه عليه قوم...  
 ۵- و قالوا اساطير الاولين اكتبها فهى تملى عليه-  
 ۶- قل انزله الذى يعلم السر...  
 ۱۸- ..ولكن متعتهم و آباء هم حتى نسوا الذكر...  
 ۲۹- لقد اضلنى عن الذكر بعد اذ جائنى و كان الشيطان للانسان خذولاً  
 ۳۰- و قال الرسول يا رب ان قومى اتخذوا هذا القرآن مهجوراً.  
 ۳۲- و قال الذين كفروا لولا نزل عليه القرآن جمله واحدة...  
 ۳۳- ولا ياتونك بمثل الا جثناك بالحق واحسن تفسيراً.  
 ۳- برکت- کلمه «تبارک» که سوره با آن آغاز شده، جمعاً در سه آیه آمده است که از جهات مختلف این برکت و فرخندگی را نشان می دهد:  
 آیه ۱- تبارک الذى نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيراً (برکت در نزول فرقان برای انذار همه مردم جهان)  
 آیه ۱۰- تبارک الذى ان شاء جعل لك خيراً من ذلك جنات تجرى من تحتها الانهار و يجعل لك قصوراً (برکت در نعمت های خدا)  
 آیه ۶۱- تبارک الذى ان شاء جعل فى السماء بروجا و جعل فيها سراجا و قمرا منيراً

(برکت در خیرات و منافعی که از بروج و سراج و قمر عاید می‌گردد.  
علاوه بر موضوعات فوق که از آیات ابتدا و انتهای سوره استخراج گشته، می‌توان از متن آن، موضوعات دیگری که جنبه محوری و کلیدی در سوره دارند استنباط کرد. از جمله:  
۴- رحمن - در این سوره ۵ بار نام رحمن تکرار شده است که پس از سوره‌های مریم و زحرف بیش از سایر سوره‌های قرآن می‌باشد. معمولاً موضوع رحمانیت خدا در سوره‌هایی مطرح می‌گردد که اعتقادات مشرکین و انحراف آنها از توحید مورد نظر باشد. همانطور که می‌دانیم مشرکین به «الله» به عنوان خالق هستی اعتقاد داشتند. اما منکر رحمن بودند.<sup>۱</sup> از آنجایی که در این سوره به اعتقادات مشرکین و تکذیبشان به نبوت، قرآن و قیامت پرداخته است، مسئله رحمانیت را مورد توجه قرار داده و حتی در ۱۴ آیه آخر سوره ویژگی‌های عبادالرحمن را به تفصیل بیان نموده است. آیاتی که به موضوع رحمانیت در این سوره اشاره کرده عبارتند از:

آیه ۲۶ - الملك يومئذ الحق للرحمن و كان يوما على الكافرين عسيرا

« ۵۹ - الذي خلق السموات والارض و ما بينهما في ستة ايام ثم استوى على العرش

الرحمن فسئل به خبيرا

« ۶۰ - واذا قيل لهم اسجدوا للرحمن قالوا و ما للرحمن. انسجد لما تامرنا وزادهم

نفورا

« ۶۳ - و عبادالرحمن الذين...

۵- سبیل - نکته شگفتی که در این سوره جلب توجه می‌نماید، اختلاف قافیه‌ای است که در انتهای آیه (۱۷) نسبت به سایر آیات سوره وجود دارد. توضیح این که همه آیات این سوره با تنوین روی الف ختم می‌شوند مگر آیه ۱۷ که با حرف «ل» (ضلوا السبیل) ختم شده، درحالی که کلمه سبیل در انتهای ۶ آیه دیگر این سوره نیز آمده است اما در همه این موارد بشکل «سبیل!» (آیات: ۹ - ۲۷ - ۳۴ - ۴۲ - ۴۴ - ۵۷).

این استثناء (که براحتی ممکن بود مانند ۶ مورد دیگر «سبیل» نوشته شود تا ریتم سوره هم بهم نخورد) باید عمدی باشد. قبلا نیز در سوره‌های دیگر مشاهده نمودیم هر گاه قرار بوده موضوعی مورد توجه و تاکید قرار گرفته و باصطلاح «اگراندیسمان» شود، از ریتم و نظام عمومی و لحن و آهنگ سوره خارج شده تا بیشتر جلب توجه کند. موضوع سبیل (راهیابی) نیز از موضوعات اصلی و محورهای عمده سوره می‌باشد. بنابراین لازم بوده جلوه

۱. این موضوع را می‌توان در سوره‌ها و آیات دیگری ملاحظه کرد. مثل: زعد ۳۰ - اسراء ۱۱۰ - مریم ۶۹ - انبیاء

۳۶ - یس ۱۵ - زحرف ۱۷ و ۳۶ - ملک ۲۹ و...

بیشتری پیدا کند. کلمه «سبیلا» در سوره نساء ۱۱ مرتبه بکار رفته که از همه سوره‌های قرآن بیشتر است. پس از آن دو سوره «اسراء» و «فرقان» قرار دارند.

در سوره اسراء (بنی اسرائیل) هم که مانند این سوره، تمام آیاتش به استثنای یک مورد (آیه ۱ - هو السميع البصير) با تنوین روی الف ختم شده، دقیقاً ۶ بار کلمه «سبیلا» و یکبار «سبیل» بکار رفته (درست همانند سوره فرقان). با این تفاوت که در سوره «اسراء» بصیر بودن خدا اگر اندیسمان شده، و در اینجا «سبیل». این انطباق در شکل و آهنگ، نوعی ارتباط و اتصال دو سوره را می‌تواند نشان دهد:

در ۷ موردی که کلمه سبیل در سوره فرقان بکار رفته ۶ مورد آن بطور مستقیم یا غیر مستقیم با «ضاللت» آمده و از بعد منفی گمراه شدن را نشان می‌دهد. تنها یک مورد به سبیل پروردگار اشاره می‌کند. (الا من شاء ان يتخذ الی ربه سبیلا).

#### ۶- آزادی و اختیار

از آنجایی که این سوره مانند سوره انعام جنبه ایدئولوژیک و جدلی دارد و به افکار و نظریات مخالفین پرداخته، موضوع آزادی و اختیار انسان در گرایش بحق و پذیرش شریعت الهی بشدت مورد تاکید قرار گرفته است. همانطور که قبلاً گفته شد، مکتبی که بر تفکر و تعقل و عدم اکراه و اجبار در دین تکیه می‌کند، ناچار است راه گفتگو و بحث و مکالمه منطقی را باز کند و جامعه باز را برای رشد و شکوفایی استعدادها پی‌ریزی نماید. در چنین مکتبی، رهبرش به جای آن که در صدد مسحور و مقلد کردن پیروانش باشد، با آنها رابطه برقرار می‌کند و با بحث و مکالمه مستمر، افکار و عقولشان را متحول می‌سازد.

آیاتی که بر موضوع آزادی و اختیار انسان در این سوره تاکید دارد عبارتند از:

آیه ۳۱ - وكذلك جعلنا لكل نبي عدوا من المجرمين و كفى بربك هادياً و نصيراً.

« ۴۳ - ارایت من اتخذ الله هویه افانت تكون عليه و كیلاً.

« - ولقد صرفناه بینهم لیذکروا...ولو شئنا لبعثنا فی كل قرية نذیرا. فلا

تطع الكافرین و جاهدهم به جهادا کبیرا.

« ۵۶ - و ما ارسلناک الا مبشراً و نذیرا.

۵۷ - قل ما اسئلكم علیه من اجر الا من شاء ان يتخذ الی ربه سبیلا.

« ۵۸ - و توکل علی الحی الذی لا یموت و سبح بحمده و کفی به بذنوب عباده خبیراً.

« ۶۲ - و هو الذی جعل اللیل والنهار خلفه لمن اراد ان یذکر او اراد شکوراً.

« ۷۳ - والذین اذا ذکروا بایات ربهم لم یخروا علیها صماً و عمیاناً.

۷- انذار - در این سوره موضوع «انذار» (آگاه ساختن و بیم دادن از خطر محتمل الوقوع) بیش از تبشیر مورد نظر قرار گرفته است و علاوه بر اولین آیه آن، در خلال سوره نیز از سرنوشت شوم مجرمین در جهنم انذار فراوان داده شده است. این کلمه در شکل «نذیرا» ۴ بار در این سوره تکرار شده که بیش از بقیه سوره‌ها می‌باشد:

آیه ۱- تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیرا.

۷- ... لولا انزل الیه ملک فیکون معه نذیراً

۵۱- ولو شئنا لبعثنا فی کل قریة نذیراً.

۵۶- و ما ارسلناک الا مبشراً و نذیرا

\*\*\*

اسماء الحسنی - در این سوره بجز نام جلاله «الله» که ۸ بار تکرار شده، ۱۴ بار نام رب (به صورت مضاف: ربک ربنا و...)، ۵ بار «رحمن»، ۲ بار غفور و رحیم، ۲ بار خبیر و یکبار از هر کدام از نام‌های: بصیر، نصیر، قدیر، حی و هادی آمده است که در رابطه با مفاهیم مطرح شده در سوره قابل مطالعه و بررسی می‌باشد. مجموع این نامها ۳۸ = (۱۹ × ۲) می‌باشد.

#### حرف انتهایی آیات

همانطور که در توضیحات متن این نوشته گفته شد، از ۷۷ آیه این سوره که با الف تنوین دار ختم می‌شوند تنها آیه ۱۷ با حرف «ل» ختم شده است.

#### تقسیمات سوره

سوره فرقان را برای سهولت بررسی می‌توان به ۹ بخش ذیل تقسیم نمود:

##### الف - مقدمه

۳ آیه اول سوره را می‌توان فهرست مطالب و خلاصه و مقدمه‌ای برای مندرجات آن تلقی کرد. در این چند آیه اشاراتی به مفاهیم: برکت، فرقان، نبوت، انذار، ملک، تقدیر، خلق و توحید و شرک شده که به عنوان کلیدی برای بقیه سوره می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

ب - تکذیب کتاب و نبوت (آیات ۴ تا ۱۰)

در این ۷ آیه جمعاً ۷ نظریه مشرکین را در انکار حقانیت کتاب و نبوت پیامبر توضیح

می‌دهد.

### ج- قیامت (آیات ۱۱ تا ۴۳)

در آیات مفصل این بخش، تصویری از جهنم و بهشت و صحنه سوال و جواب در محکمه الهی را به نمایش می گذارد و در آیه ۲۰ نتیجه می گیرد که اصولاً ارسال مرسلین چیزی جز امتحان و ابتلای انسانها نبوده خداوند فتنه مکذبین را وسیله آزمایش صبر مومنین قرار داده است. اگرچه قسمت عمده آیات این بخش مستقیماً صحنه های قیامت را تصویر می نماید، اما گهگاه (مثل آیات ۲۱ تا ۳۲) به گفتار دنیایی آنها در تکذیب قیامت و قرآن برمی گردد و علت و زمینه این سرنوشت را بازگو می نماید. در ضمن آیات ۲۷ تا ۳۰ این سوره از مهم ترین آیات مربوط به «نقلین» (کتاب و سنت) می باشد.

### د- تاریخ (آیات ۳۵ تا ۴۰)

در ۶ آیه این بخش از ایتاء کتاب به موسی برای هدایت قوم مکذب به آیات خدا شروع می کند که ظاهراً شاخص ترین مصداق تکذیب در طول تاریخ بوده است. به دنبال آن از تکذیب قوم نوح به رسولان و غرق شدن آنها سخن می گوید. سپس به اقوام عاد و ثمود و اصحاب الرس و نسل ها و تمدنهای مابین آنها اشاره می کند که همگی رسولان را تکذیب کردند و مشمول عذاب گشتند. و در خاتمه به عنوان مصداق عینی و ملموس برای اعراب، از آثار خرابه های قومی که با باران سنگریزه (گدازه آتشفشانی) نابود شدند (قوم لوط در شهر سدوم) شاهد مثال می آورد که در سفرهای خود (بشام) از آن عبور می نمایند و عبرت نمی گیرند.

ر- اوج تکذیب (استهزاء حق، پافشاری بر باطل و هوی پرستی و گمراهی) آیات ۴۱ تا ۴۴ در این بخش کوتاه نشان می دهد عدم عبرت گیری تاریخی از اقوام گذشته و بکار نگرفتن نیروی تفکر و تعقل چگونه انسان را به پرتگاه هوی و هوس سوق داده از مرحله انسانی به پایین تر از چارپایان ساقطش می کند.

### ز- آیات تکوینی (آیات ۴۵ تا ۵۴)

همانطور که در وجه تسمیه سوره گفتیم، کلمه فرقان که اشاره ای به معیار و محک بودن کتاب خدا برای تشخیص حق از باطل است، دوگانگی های دیگری را نیز در عالم طبیعت تداعی می نماید که به برخی از آنها اشاره کردیم. عمده ترین آنها که تمثیلی از حق و باطل است، نور خورشید و سایه آن (فقدان نور) می باشد. اگر این مطلب را با توجه به آیات نور (در سوره قبل) مورد نظر دهیم، هم ربط دو سوره را می فهمیم و هم از تمثیل سایه و قبض و مد آن در آیات این سوره (الم تر الی ربک کیف مدالظل و لولشاء لجعله ساکننا ثم جعلنا

الشمس علیه دلایلا. ثم قبضناه الیناقبضاً یسیراً)، پی به تدبیر و مشیت الهی می‌بریم. بیان این تمثیل بدنبال بخش قبل (استهزاء حق، پافشاری بر باطل و هوی پرستی و گمراهی) شاید از این نظر باشد که نشان می‌دهد همانطور که سایه به تدبیر خدا حرکت می‌کند و قبض و بسط آن به حکمت و مشیت او وابسته است، گمراهی کافران نیز مستقل از مشیت او و خلاف تقدیرش نمی‌باشد. همانطور که از اختلاف تابش خورشید و سایه آن، اختلاف درجه حرارت بوجود می‌آید و آن نیز بنوبه خود موجب انبساط ذرات هوا و ایجاد باد و تشکیل ابر و ریزش باران و... می‌گردد، اختلاف مردم در پذیرش حق و باطل و آزادی و اختیاری که در چهارچوب مشیت خدا با مهلت و مدت و اجل مشخص دارند موجب رشد و تکامل انسان می‌گردد. بنابراین نباید از وجود و حضور منکرین انبیاء و قدرت و سلطه آنها در جهانی که نظامش به دست خدا است تعجب کرد. همانطور که اگر خدا می‌خواست حرکت سایه را متوقف می‌کرد (ولولشاء لجعله ساکناً) می‌توانست اختیار کافران را سلب نماید، اما آنرا تابع و حرکت انفعالیشانرا عکس‌العملی در برابر مردان حق قرار داد. (ثم جعلنا الشمس علیه دلایلا) و مطمئناً سرانجام بر بازگرداندن آنان در روز قیامت قادر است (ثم قبضناه الیناقبضاً یسیراً).

\* در دومین آیه این قسمت، از شب و روز و خواب و بیداری و آرامش و تحرک سخن می‌گوید (و هو الذی جعل لکم اللیل لباساً والنوم سباتاً و جعل النهار نشوراً). روز و شب حاصل تابش خورشید و غیبت آن است، همین توالی و تداوم و اختلاف و دوگانگی وسیله‌ای برای آرامش و تجدید انرژی (در شب) و تلاش و تحرک مجدد در روز می‌گردد. اگر خورشید همواره می‌تابید، انسان از خستگی و فرسودگی بی‌تاب می‌گشت. اگر میدان عمل برای باطل وجود نمی‌داشت، اختیار منتفی می‌گشت و سیر تکامل انسان و صیورورت او بسوی خدا متوقف می‌گردید.

\* در سومین آیه این بخش (وهو الذی ارسل الریاح بشرأ بین یدی رحمته وانزلنا من السماء ماء طهوراً) از ارسال بادهای انگیزنده ابرها، که بشارت‌دهنده باران می‌باشد، سخن می‌گوید و سومین مرحله این تحول را که با تابش نور خورشید و سایه آن آغاز شده و موجب پیدایش روز و شب گردیده بیان می‌کند. این مرحله همان پیدایش باد در اثر انبساط و انقباض ذرات هوا (بخاطر شب و روز) می‌باشد که مقدمه تشکیل ابر و ریزش باران می‌گردد. همه این مقدمات برای احیای سرزمین مرده خشک و رفع تشنگی چارپایان و انسانها می‌گردد (لنحیی به بلدة میتاً و نسقیه مما خلقنا انعاماً و اناسی کثیراً).

\* در خاتمه این بخش به عنوان نتیجه‌گیری می‌فرماید: ما آن (باد) را میان این مردم



به گردش در آورده‌یم<sup>۱</sup> شاید متذکر گردند. اما بیشتر مردم با ناسپاسی و کفران نعمت از ذکر خدا ابا می‌کنند (ولقد صرفناه بینهم لیدکروا فابی اکثر الناس الا کفوراً). همانطور که گفته شد، باد موجب تشکیل ابر و ریزش باران می‌گردد. باران نیز بنوبه خود ادامه حیات گیاهی، حیوانی و انسانی را تضمین می‌کند. خداوند گردش باد را که موجب پیدایش حیات و نعمات فراوان شده، به عنوان وسیله تذکر مردم معرفی می‌نماید. به همین ترتیب «تصریف آیات قرآن» نیز باید استعدادهای بالقوه انسان را در جهت رشد و شکوفایی به انگیزش و فعلیت درآورد و به همین ترتیب تناوب مستمر حق و باطل و تسلط و دولتی گذرانِ باطل را باید به خاطر امتحان و ابتلای مومن تعبیر و تفسیر کرد.

\* به دنبال آیه فوق، ناگهان سیاق کلی این بخش، که کلاً به آیات تکوینی اختصاص داشت، تغییر می‌کند و در جمله معترضه‌ای (در دو آیه) از مطالب گفته شده نتیجه‌ای در رابطه با جامعه انسان‌ها (خطاب به پیامبر) گرفته مجدداً به سیاق کلی بحث برمی‌گردد.

ولو شئنا لبعثنا فی کل قریة نذیراً. فلا تطع الکافرین وجاهدہم بہ جهاداً کبیراً.

با توضیحاتی که در فوق پیرامون انگیزش باد و تشکیل ابر و ریزش باران دادیم، معلوم شد که اگر عکس‌العمل زمین در برابر تابش نور خورشید و اختلاف شب و روز به صورت «باد» ایجاد نشود، هیچ تحولی رخ نمی‌دهد. بعثت منذرین نیز در جوامع منحط خارج از این قاعده نیست، آنها نیز همانند «باد» موجب انگیزش اندیشه‌ها و عقول و تشکیل مجتمعات ایمانی و ریزش خیر و برکات در جوامع می‌گردند و این امر مستلزم وجود زمینه مساعد و استعداد و ظرفیت لازم می‌باشد. بنابراین اگر در قریه‌های دیگر چنین ظرفیت و زمینه‌ای وجود نداشته باشد، بعثتی رخ نمی‌دهد. همانطور که «باد» در یک نقطه متوقف نبوده جریان پیدا می‌کند (ولقد صرفناه بینهم...) یک منذر مبعوث نیز بر قریه‌های متعددی اشراف پیدا می‌کند.

حال که چنین قانونی حاکم است، بی‌اعتنای به ایراد کافران، باید جهادی قرآنی برای آگاه ساختن آنان برپا کرد. (فلا تطع الکافرین وجاهدہم بہ جهاداً کبیراً)

\* در چهارمین تمثیلی که در این بخش آمده است، از کنار هم قرار داشتن آب شیرین و گوارا در کنار آب شور ناگوار، بدون آن که با یکدیگر مخلوط شوند، شاهد می‌آورد. این مثل در ارتباط با جمله معترضه فوق که به عدم اطاعت از کافران عنایت داشت، بیشتر معنای

۱. موضوع گردش باد (تصریف الریاح) را که از کشفیات یکی دو قرن اخیر علم جو شناسی است، در دو آیه دیگر می‌توان ملاحظه کرد:

بقره ۱۶۴ و جاثیه ۵ (و تصریف الریاح لایات لقوم یعقلون).

خود را تداعی می کند. مومن در عین حال که در جامعه خود در کنار کافر زندگی می کند، باید مراقب باشد با او هم رنگ و همراه نگردد. کنار هم قرار گرفتن در زندگی روزمره و در محل کار و کسب و ... اشکالی ندارد. آنچه مهم است ائتلاف اعتقادی است که باید از آن اجتناب کرد. معنای عدم اطاعت از کافرین (فلا تطع الکافرین) نیز همین است که جنبه دفاعی و اعراضی (نه تعرضی) دارد. البته بی تفاوت هم نباید ماند، بلکه باید با تمام وجود جهادی اعتقادی بر پایه قرآن برای دگرگون ساختن اندیشه گمراهان برپا کرد.

\* نکته ظریفی که در انتهای آیه وجود دارد مسئله «حجراً محجوراً» (مانع و حائلی خاص) می باشد. (و جعل بینهما برزخاً و حجراً محجوراً). این کلمه با ترکیب و هیئتی که دارد، فقط دو بار در قرآن بکار رفته و هر دو هم در این سوره می باشد. بجز آیه فوق مورد دیگر آیه ۲۲ (یوم یرون الملائکه لا بشری یومئذ للمجرمین و یقولون حجراً محجوراً) می باشد. گرچه مجرمین در دنیا در کنار مومنین قرار داشتند، ولی در قیامت مانند دریای شور و شیرین میان آنها حجر و حاجزی قرار می گیرد.

\* و سرانجام در آخرین آیه این بخش از قدرت خدا (در تقدیر و اندازه گذاری) یاد می کند که از آب بشری خلق کرده و آن را نسب و قرابتی قرار داده است:

و هو الذی خلق من السماء بشراً فجعله نسباً و صهراً و کان ربک قدیراً.

به نظر می رسد این آیه که بدنبال تحولات پیوسته و زنجیره ای در طبیعت (از تابش نور خورشید، ایجاد شب و روز و اختلاف درجه حرارت، انگیزش باد، تشکیل ابر، ریزش باران و رشد گیاهان و پیدایش حیوانات) آمده است، عنایتی به منشاء آفرینش انسان از آب داشته باشد که در سلسله تکامل موجودات زنده از مجموعه نسبت ها (با سایر موجودات) و پیوندهای قرابتی مختلفی که با آنها دارد (فجعله نسباً و صهراً) شکل تکامل یافته و پیچیده امروزی را پیدا کرده است<sup>۱</sup> (والله اعلم)

### س - آزادی و اختیار (آیات ۵۵ تا ۶۲)

با آیات تکوینی گویا حجت تمام می شود. همان طور که در سوره بقره بدنبال آیات تکوینی در آسمانها و زمین، از آزادی و اختیار انسان سخن می گوید و بر عدم اکراه در پذیرش دین تاکید می کند (...وسع کرسیه السموات والارض... لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی...) در این بخش از سوره فرقان بدنبال تبیین آیات زمین و آسمان، بر اختیار و آزادی

۱. برای اطمینان بیشتر در این مورد می توان به نظریات و نوشته های جناب آقای دکتر یدالله سبحانی مراجعه کرد.

انسان صریحاً و موکداً تذکر می دهد تا رسول مبلغ پیامش چنین شیوه‌ای را اعمال نماید. در اولین آیه این بخش، ابتدا از بت پرستی بی خاصیت کافران و پشتیبانی و معاضدت آنها با یکدیگر علیه پروردگارشان سخن می گوید تا اوج انحراف و گناه را نشان دهد. چنین انحراف و عصیانی از ناحیه کافران هر انسان موحدی را به عکس العمل و عصیبت سوق می دهد و به همین دلیل در این سری آیات برای پیشگیری از عواقب این امر بترتیب ذیل بر اختیار انسان تأکید می نماید:

آیه ۵۶- و ما ارسلناک الا مبشراً و نذیراً.

[تأکید بر رسالت بشارت و انذار (نه جبر و اکراه)]

آیه ۵۷- قل ما اسئلكم علیه من اجر الا من شاء ان يتخذ الی ربه سبیلاً

[نفی اجز طلبی در تبلیغ دین و تأکید بر اختیار مردم (الا من شاء) در راهیابی]

آیه ۵۸- و توکل علی الحی الذی لایموت و سیح بحمده و کفی به بذنوب عباده خبیراً.

[توکل بر خدا در برابر مخالفت کافران و اکتفا کردن به علم و اطلاع خدا از گناه آنان]

آیه ۶۲- و هو الذی جعل اللیل والنهار خلفه لمن اراد ان یذکر او اراد شکوراً.

[تداوم شب و روز برای انگیزش «اراده» انسانها برای ذکر یا شکر است]

در ضمن در خلال آیات فوق به نمونه دیگری از انکار و تکذیب کافران نسبت به «رحمانیت» خدا اشاره می کند تا از یک طرف به وقاحت و ضلالت این قوم اشاره کرده باشد و از طرف دیگر حلم خدا را (که باید مومنین هم سرمشق بگیرند) نشان دهد.

و اذا قیل لهم اسجدوا للرحمن قالوا و ما للرحمن ان سجده لما تامرنا و زادهم نفورا (آیه ۶۰)

گر چه اینها منکر رحمانیت و ربوبیت و تدبیر جهانشمول خداوند هستند، اما شب پره اگر نور را انکار کند، حقیقت نور انکار شدنی نیست. پس خجسته است پروردگاری که در آسمان بروج و سراج و قمر را قرار داد. <sup>۱</sup> (تبارک الذی جعل فی السماء بروجاً و جعل فیها سراجاً و قمراً منیراً).

ش - نمونه‌های برتر (عباد الرحمن) آیات ۶۳ تا ۷۶

پس از بیان انحرافات کافران و تکذیب آنها به حقایق ایمانی، اینک در انتهای سوره نوبت آن رسیده است که از جهت مثبت و ویژگی‌های مومنین را ترسیم نماید. از آنجایی که مشخصه اصلی کافران انکار رحمانیت خدا بوده است، در اینجا مومنین را به عنوان

۱. در مورد معنای دقیق و واقعی بروج و سراج (که در ترجمه و تفسیرهای قرآن به غلط بیان شده) می توانید به کتاب تحقیقی و ارزنده «هفت آسمان» که با استفاده از علوم دقیقه روز تهیه شده مراجعه نمایید.

«عباد الرحمن» توصیف می نماید:

اوصافی که در این بخش از عباد الرحمن نقل می کند، عموماً منطبق است با اوصافی که در ابتدای سوره مومنون ذیل آیه «قد افلح المومنون» نقل شده است. با این تفاوت که در اینجا این اوصاف در انتهای سوره آمده و در آنجا در ابتدا. همچنین منطبق است با اوصافی که در وسط سوره معارج (۷۰) ذیل آیه: «الا المصلین» آمده است. به این ترتیب مشخص می گردد که سه کلمه: رحمن، ایمان و صلوة هر کدام نگرش خاص به حقیقتی واحد است. یعنی مومن کسی است که به رحمانیت خدا معتقد باشد و از طریق صلوة با خالق خود ارتباط برقرار نماید.

در این مجموعه آیات، ویژگی های چندی طبق نظم و ترتیب و تقدم و تاخیری مخصوص بیان شده که بسیار آموزنده و بیدار کننده است.<sup>۱</sup>

### ع - نتیجه گیری

آخرین آیه این سوره سیاقی کاملاً مستقل از آیات قبلی خود دارد (قل ما یعنوا بکم ربی لولادعواکم فقد کذبتم فسوف یكون لزاماً).

این آیه اعلانی است از ناحیه رسول (ص) به تکذیب کنندگان قرآن و نبوت تا بدانند اگر خدا را نخوانند ارزش و اعتباری نخواهند داشت و به زودی ملازم و گرفتار نتیجه اعمالشان خواهند گشت. این آیه در واقع پاسخ موجز و مختصری به انواع تکذیب ها و تمسخرهای کافران می باشد. در ضمن عنایتی هم برای عبرت گیری از دعای خالصانه عباد الرحمن (والذین لایدعون مع الله الها آخر) که ۲ بار در این مجموعه با فعل «یقولون» آمده شده است:

والذین یقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها کان غراماً... والذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا وذریاتنا قره عین واجعلنا للمتقین اماما.

### ارتباط سوره های شعراء و فرقان (۲۶ و ۲۵)

آخرین آیه این سوره فرقان با تکذیب کافران نسبت به حق و ملازم و معاقب شدن به نتایج و کیفر آن خاتمه می پذیرد (...فقد کذبتم فسوف یكون لزاماً) و همین موضوع، یعنی تکذیب و گرفتار شدن به نتایج آن در مقدمه سوره شعراء تکرار شده است که ادامه بحث را از

۱. شرح بیشتر این موضوعات را در جدول ضمیمه سوره مومنون و توضیحات آن آورده ایم

بعد دیگری نشان می دهد:

فقد کذبوا فسیاتیهم انباء ما کانوا به یستهزؤن (آیه ۶) ..

۲- آیات انتهائی سوره فرقان (۶۳ تا ۷۶) تماماً توصیف «عبادالرحمن» و شرح ویژگی های ایمانی آنان است که در ۱۰ بند خلاصه شده است، در برابر این جنبه مثبت و اظهار عبودیت به خداوند «رحمن»، در سوره شعراء موضوع را از جنبه منفی و اعراض و روگردانی از «رحمن» ادامه می دهد تا هر دو وجه تبیین شده باشد:

آیه (۵) و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن محدث الا کانوا عنه معرضین.

۳- در آیه فوق اعراض از «ذکر» یعنی بی اعتنائی و روگردانی کافران را نسبت به حقایق بیان می کند، درحالیکه در سوره فرقان یکی از ویژگی های عبادالرحمن را برخورد توأم با بصیرت و بررسی آنان نسبت به آیات و عدم سطحی نگری و ظاهر بینی ایشان در این امر وصف می نماید، در هر دو مورد مسئله ذکر مطرح است، یکجا توجه و اقبال به آن و تدبر و تفکر درباره آنرا نشان می دهد و در دیگری بی توجهی و روگردانی را، به طور خلاصه ادامه سخن در سوره شعراء از جهت منفی به خوبی مشاهده می شود.

آیه ۷۳ فرقان - والذین اذا ذکروا بایات ربهم لم یخروا علیهما صماً و عمیاناً.

## موانع راه «ایمان» و مشکلات «حضرت موسی»

### در ظلم ستیزی و مبارزه با فساد

مجموعه سوره‌های شعراء، نمل و قصص (۲۶ - ۲۷ - ۲۸)

سه سوره فوق‌الذکر که با حروف مقطعه طسم (وطس) افتتاح می‌شوند، آن طور که از همان آیات اولیه آنها فهمیده می‌شود، در وجوه مشخصی اشتراک دارند:

۱- مطالب هر سه سوره آیاتی از کتاب مبین نامیده شده‌اند.

۲- در هر سه سوره موضوع «ایمان» و تکذیب (اعراض و استهزاء و...) در رسالت پیامبر اسلام (ص) محور اصلی می‌باشد.

۳- در هر سه سوره به رسالت حضرت موسی (ع) و تلاش‌های آن پیامبر برای ظلم ستیزی و مبارزه با فساد و استکبار، به عنوان تجربه‌ای گرانبها و عبرت و آموزش برای پیامبر خاتم (ص) بیشترین توجه و تاکید و تمرکز انجام شده است.

ابتدا آیات مقدمه هر سه سوره را برای مشاهده اجمالی می‌نویسیم آنگاه در باره هر یک از محورهای سه گانه فوق توضیحی می‌دهیم:

شعراء - طسم - تلك آیات الكتاب المبين - لعلك باخع نفسك الا يكونوا مؤمنين... و ماياتيهم من ذكر من الرحمن محدث الا كانوا عنه معرضين - فقد كذبوا فسيأتتهم انباء ما كانوا به يستهزون.

نمل - طس - تلك آیات القرآن و كتاب المبين - هدى و بشرى للمؤمنين - الذين يقيمون الصلوة و... ان الذين لا يومنون بالآخرة زيناهم اعمالهم فهم يعمهون... وانك لتلقى القرآن من لدن حكيم عليم

قصص - طسم - تلك آیات الكتاب القرآن و الكتاب المبين نتلوا عليك من نبأ موسى و فرعون بالحق لقوم يومنون. ان فرعون علا في الارض... انه كان من المفسدين.

۱- منظور از کتاب مبین، با توجه به تفکیک آن از قرآن (در سوره دوم)، به نظر می‌رسد کتاب مطلق هدایت الهی و منشاء اصلی و اولیه کتابهای آسمانی و به عبارتی لوح محفوظ یا کتاب آفرینش باشد (الله اعلم). یعنی آن چه در این سوره گفته می‌شود حقایقی آشکار از اصول و قانونمندی‌های الهی است (معنای کتاب = معیارها و قوانین نوشته شده).

۲- مخاطب هر سه سوره مستقیماً شخص رسول اکرم می‌باشد. بنابراین آنچه از اصول و قانونمندی‌ها یا تجربیات و تلاشهای انبیاء سلف گفته می‌شود، برای توجه به آن حضرت به این امر مهم است که «تحقق ایمان» کاملاً تدریجی و طولانی است و اکثریت مردم ایمان را نشان می‌دهد در قسمت فوق مجدداً ملاحظه گردد.

۳- داستان حضرت موسی (ع) در هر سه سوره به عنوان مهم‌ترین مثال و مصداق تاریخی مطالب سوره مطرح شده است. در سوره قصص بدون آن که ذکری از انبیاء شود، بیش از نیمی از سوره اختصاص به رسالت آن حضرت یافته است.<sup>۱</sup> و در دو سوره دیگر نیز که اشاره‌ای به سایر انبیاء و امت‌هایشان شده است، داستان حضرت موسی علی‌رغم آن که از نظر زمانی نسبت به بقیه متاخر می‌باشد، مقدم بر آنها مطرح شده است. سوره شعراء با همین داستان شروع می‌شود و بیش از یک چهارم سوره<sup>۲</sup> (که به مراتب بیش از شرح بقیه انبیاء می‌باشد) در باره رسالت حضرت موسی می‌باشد. در سوره نمل نیز با این که داستان حضرت سلیمان با تفصیل بیشتری بیان شده، اما سوره با داستان حضرت موسی شروع می‌شود.<sup>۳</sup>

به طور کلی بخش اصلی و عمده این سه سوره پیرامون ابتلاء و گرفتاری‌های انبیاء گذشته، بخصوص حضرت موسی، در ظلم ستیزی و دعوت مردم به ایمان می‌باشد. به طوری که ۸۰٪ سوره شعراء، ۵۶٪ سوره نمل و ۵۹٪ سوره قصص اختصاص به این امر یافته است و این مجموعه مشتقات و مصائبی را که انبیاء در ابلاغ رسالت تحمل کردند برای تقویت روحی و دلداری پیامبر (ص) شرح می‌دهد. و علت تاکید و تمرکز بیشتر روی

۱. آیات ۳ تا ۴۳ که بطور مستقیم آیات ۴۴ تا ۴۷ که به عنوان نتیجه‌گیری مربوط به حضرت موسی می‌باشد. همچنین آیات ۷۶ تا ۸۳ که در باره قارون است و وابسته به همین داستان می‌باشد. مجموعه این آیات (۵۲ آیه) ۵۹٪ حجم سوره را تشکیل می‌دهد.

۲. آیات ۱۰ تا ۶۸ (۵۹ آیه که ۲۶٪ سوره می‌باشد) اختصاص به حضرت موسی دارد. پس از آن ۳۶ آیه به حضرت ابراهیم، حضرت نوح و حضرت هود هر کدام ۱۸ آیه، حضرت صالح ۱۹ آیه و حضرت لوط و حضرت شعیب هر کدام ۱۶ آیه را بخود اختصاص داده‌اند.

۳. آیات ۷ تا ۱۴ (۸ آیه) در باره حضرت موسی در ابتدای سوره است پس از آن ۳۰ آیه در باره حضرت سلیمان ۹ آیه در باره حضرت صالح و ۵ آیه در باره حضرت لوط می‌باشد.

داستان حضرت موسی و قوم بنی اسرائیل، هم بدلیل تشکیل امت و تداوم آن توسط حضرت موسی می باشد و هم بدلیل ارتباطات گسترده‌ای که مسلمانان با یهود پیدا کردند.

ارتباط با قبل و بعد - آخرین سوره این مجموعه (قصص) با سوره عنکبوت پیوند می خورد که از همان ابتدا روی مسئله «فتنه» به عنوان اصل تفکیک ناپذیر از «ایمان» و سابقه تاریخی آن در باره مومنین گذشته یاد می کند (الم - احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا امنا و هم لایفتنون ولقد فتنا الذین قبلهم فیعلمن الذین صدقوا ولیعلمن الکافرین) بنابراین می توان گفت سوره عنکبوت با اتکاء به مقدمه چینی این سه سوره مطالب خود را برای امت اسلام مطرح می نماید.

اما اتصال این مجموعه با سوره قبل از آن (فرقان) نیز بسیار ظریف برقرار شده است بطوری که آخرین آیه سوره فرقان دقیقاً با اولین آیات سوره شعراء در موضوع «تکذیب» و گرفتار شدن به عواقب نزدیک آن انطباق دارد.

فرقان (۷۷) ... فقد کذبتم فسوف یکون لزاماً

شعراء (۶) ... فقد کذبوا فسیاتیهم انبوا ما کانوا به یتسهون.

بنابراین برای تحقق ایمان در جامعه اسلامی پیامبر اکرم از یک طرف با تکذیب اکثریت مردم و از طرف دیگر با انواع مشکلات و موانع مواجه خواهد شد.

مشخصات مستقل هر سوره - سوره‌های سه گانه این مجموعه در عین آنکه وجه مشترکی را، که همان موانع راه ایمان و مشکلات رسولان (بخصوص حضرت موسی) می باشد، تعقیب می نمایند، برای خود ویژگی‌های مستقلی داشته جا دارد مورد توجه و تفکر قرار گیرد. ذیلاً به هر یک از سوره‌های سه گانه از این نظر نگاهی می افکنیم:

سوره شعراء - در مقدمه این سوره از همان ابتدا به پیامبر تذکر داده می شود که چرا از غصو ایمان نیاوردن مردم خود را هلاک می کنی؟ ... ما اگر می خواستیم می توانستیم معجزه‌ای از آسمان برای آنها نازل کنیم که همه گردنها در برابر آن خاضع باشند ولی (می خواهیم مردم به نیروی تفکر و تعقل نه خود باختگی در برابر معجزه ایمان بیاورند اما متأسفانه) هر یادآوری و پند تازه‌ای از جانب خداوند رحمن برای آنها می آید، اعراض می نمایند و آنرا تکذیب می کنند. در همین مقدمه روی ارکان اصلی این سه سوره که ایمان، آزادی، تکذیب و نتیجه آن می باشد، تأکید شده است. پس از آن ابتدا اشاره‌ای کوتاه به رویش گیاهان زیبا و متنوع در سطح زمین به عنوان «آیه» طبیعی برای ایمان به خالق می نماید، سپس به داستان ۷ رسول گرامی پرداخته مشکلات آنها را در مسیر ابلاغ رسالت و



سوق دادن مردم به ایمان یادآوری می‌نماید و در پایان هر بخش ترجیع بند دو آیه‌ای: «ان فی ذلك لایة و ماکان اکثرهم مومنین - و ان ربک لهوالعزیز الرحیم» را تکرار می‌نماید که از یک طرف، عدم ایمان اکثریت مردم را در جریان تاریخی رسالت بیان می‌کند، از طرف دیگر دو صفت عزیز و رحیم پروردگار را یادآوری می‌نماید که در برابر مکذبین مشیت‌اش مغلوب نمی‌شود (زیرا عزیز و شکست‌ناپذیر است) و در برابر مومنین رحیم بوده آنها را به سعادت و بهشت جاوید می‌رساند.

این ترجیع بند ۸ بار تکرار می‌شود (یک بار پس از نشانه‌ای از طبیعت و هفت بار پس از آیات تاریخی). انبیا‌یی که داستان آنها در این سوره آمده است، در سوره‌های دیگر نیز معرفی شده‌اند. اما در اینجا متناسب با سیاق سوره که ابتلاء و فتنه مومنین و رسولان در طول تاریخ است، گرفتاری‌ها و مصائب و مشکلات آنها را مطرح کرده است. در مورد حضرت موسی جریان فرار از مصر و دریدری و خوف از دستگیری، درگیری با فرعون، آزارها و شکنجه‌های فرعون نسبت به مومنین، مقابله با سحره، حرکت شبانه از مصر و فرار از سلطه قبطیان و تعقیب لشکر فرعون و غرق شدن آن را می‌خوانیم. در مورد حضرت ابراهیم درگیری و مقابله با بت پرستی و تعبد به اصنام، در مورد نوح، هود، صالح، شعیب و لوط (علیهم‌السلام) انواع تهدیدها و تکذیب‌ها را می‌بینیم.

اولین داستان این سوره با رسالت حضرت موسی به سوی قوم «ظالم» افتتاح می‌گردد (اذنادی ربک موسی ان ائت القوم الظالمین - قوم فرعون الا یتقون) و آخرین آیه آن همیاری مومنین را علیه ظالمان و سرانجام ظالمان را یادآوری می‌نماید (الالذین آمنوا و عملوا الصالحات و ذکروالله کثیراً و انتصروا من بعد ما ظلموا و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون). بنابراین رسالت انبیا و مشکلاتی که تحمل کردند برای ظلم ستیزی و آزاد کردن بندگان از ستم مستکبرین و سوق دادن آنان به تعبد پروردگار بوده است.

علاوه بر واژه ظلم، واژه‌های تقوی و اطاعت از کلمات کلیدی این سوره به‌شمار می‌روند.<sup>۱</sup> در بیشتر این سوره‌ها داستان انبیا یا دعوت آنان بسوی توحید آغاز می‌شود (الا تعبدوا الا الله) ولی در این سوره تماماً علیه بی‌تقوایی قوم است و جنبه عملی دارد (آثار عملی شرک که بدلیل فقدان تقوی موجب ظلم می‌گردد) و ترجیع بند سه جمله‌ای: «الا

۱. جمعاً ۱۷ بار کلمه تقوی و ۹ بار کلمه اطاعت از رسولان در این سوره بکار رفته است. در مورد رسالت حضرت موسی به سوی فرعون هر چند این کلمه به‌کار نرفته، اما همه داستان بر محور تبعیت و اطاعت از فرعون و آثار و عواقب آن می‌گردد، همچنین در مورد حضرت ابراهیم مسئله تبعیت از نظریات آن حضرت علیه بت‌ها مورد نظر است.

تتقون، انی لکم رسول مبین، فاتقوا الله واطیعون» مرتباً در باره آنها تکرار می شود و مردم را از اطاعت مسرفین و مستکبرین و مفسدین باز می دارند. منظور این است که وقتی دعوت رسولان از حالت نظری و اعتقادی به جنبه های عملی مبارزه با ظلم و بی تقوایی و اطاعت از طواغیت کشیده شود، مبارزه ملاء و مستکبرین علیه آنها و شکنجه و آزار مومنین تشدید می گردد. ذیلاً به مواردی که مسئله تقوی و اطاعت در این سوره در باره رسولان آمده است اشاره می کنیم:

|                                   |   |
|-----------------------------------|---|
| رسالت حضرت موسی:                  | اذنادی ربک انت القوم الظالمین - قوم فرعون الاتتقون.   |
| رسالت حضرت ابراهیم: آیه (۹۰)      | وازلت الجنة للمتقین   |
| رسالت حضرت نوح: (آیات ۱۰۵ تا ۱۱۰) | اذ قال لهم اخوهم نوح الاتتقون... فاتقوا الله واطیعون... فاتقوا الله واطیعون                                       |
| رسال حضرت هود: (۱۲۴ تا ۱۳۲)       | اذ قال لهم اخوهم هود الاتتقون... فاتقوا الله واطیعون... فاتقوا الله واطیعون واتقوا الذی امدکم بما تعلمون.         |
| رسالت حضرت صالح: (۱۴۲ تا ۱۳۲)     | اذ قال لهم اخوهم صالح الاتتقون... فاتقوا الله واطیعون... ولا تطیعوا امر المسرفین الذین یفسدون فی الارض ولا یصلحون |
| رسالت حضرت لوط: (۱۶۱ تا ۱۶۳)      | اذ قال لهم اخوهم لوط الاتتقون... فاتقوا الله واطیعون... فاتقوا الله واطیعون                                       |
| رسالت حضرت شعیب: (۱۷۷)            | اذ قال لهم اخوهم شعیب الاتتقون... فاتقوا الله واطیعون... واتقوا الذی خلقکم ووجله الاولین.                         |

علاوه بر کلمات: ایمان، اطاعت و تقوی، «تکذیب رسولان» نیز مرتباً تکرار شده است و این کلمه اصولاً از کلیدی ترین کلمات این سوره به شمار می رود. در مورد رسالت پیامبر خاتم آیه (۶) فقد کذبوا فسیأتیهم انباء ما کانوا به یتسهون - رسالت حضرت موسی آیه (۱۲) قال رب انی اخاف ان یکذبون. و در مورد بقیه رسولان همواره کلمه کذبت در ابتدای داستان آنها آمده است (کذبت قوم نوح المرسلین - کذبت عاد المرسلین - کذبت قوم لوط المرسلین - کذبت اصحاب الایکه المرسلین).

سوره نمل (۲۷)

دو سوره شعراء و قصص همانند یکدیگر با حروف مقطعه «طسم» و آیه: «تلك آیات الكتاب المبين» آغاز می شوند، منظور از «کتاب مبين» با توجه به آیات ۷۴ و ۷۵ سوره نمل باید همان مخزن علم الهی و لوح محفوظ باشد که همه اسرار آسمانها و زمین و اعمال و افکار انسانها، در گذشته و حال، در آن ثبت و ضبط بوده بازگو کننده حقایق و حوادث می باشد. در چنین منبع و مخزن اطلاعاتی، آیات و نشانه هایی برای تجربه و عبرت اهل خرد وجود دارد که اگر به آن بصیرت یابند هدایت می گردند. اما در سوره نمل که با حروف مقطعه «طس» (بجای طسم) افتتاح می شود، به آیه اول کلمه «قرآن» اضافه شده است (تلك آیات القرآن و کتاب مبين). و پس از آن جنبه هدایتگری و بشارت دهندگی آن تایید گردیده است (هدی و بشری للمومنین). بنابراین در این سوره علاوه بر نقل حقایقی از کتاب مبين (مخزن علم و اسرار الهی)، آیات و نشانه هایی از کتاب نازل شده از جانب خداوند علیم و حکیم به چشم می خورد، یعنی هم نقل وقایع تاریخی گذشته می کند (از آرشيو اطلاعات عالم هستی) و هم نتیجه گیری و هدایت گری می نماید. در متن سوره نیز هر کجا نام قرآن برده شده است، به همین جنبه آن که دلیل وجودی اش می باشد اشاره شده است:

آیه (۱) طس تلك آیات القرآن و کتاب مبين - هدی و بشری للمومنین

« (۶) وانك لتلقى القرآن من لدن حكيم علیم

« (۷۶) ان هذا القرآن یقصد علی بنی اسراییل اکثر الذی هم فیہ یختلفون - و انه

لهدی و رحمة للمومنین.

« (۹۲) وان اتلوا القرآن فممن اهتدی فانما یهتدی لنفسه و من ضل فقل انما انا

من المنذرین.

شاید علت چنین زیادتی در این سوره و تاکیدی که روی مسئله هدایت از طریق قرآن شده است، به دلیل محور توحیدی سوره و حجت های آن علیه شرک و اتخاذ «الهی» من دون الله باشد که به طور چشمگیری در متن سوره نمایان است. در سوره شعراء همانطور که گفته شد، مشکلات و موانع راه ایمان را در رسالت حضرت موسی و چند تن دیگر از انبیاء (علیهم السلام) از بعد ظلم ستیزی و مبارزه با بی تقوایی و فحشاء و اسراف، که تماماً جنبه عملی دارد، مورد بحث قرار می دهد. اما در سوره نمل علاوه بر جنبه های عملی فوق، به زمینه های نظری و جنبه های عقیدتی مسئله پرداخته مسئله شرک را نیز مطرح می نماید،

بنابراین موضوع هدایت در رابطه با توحید اهمیت پیدا کرده است.

در این سوره بجای ۷ پیامبری که در سوره نمل داستان مشکلات آنها نقل گردید، از چهار پیامبر نام می برد (موسی، سلیمان، صالح و لوط، علیهم السلام) طبق معمول از داستان حضرت موسی آغاز می شود و از ماجرای مفصل آن پیامبر، تنها صحنه‌ای از کوه مبارک طور را نشان می دهد که آن حضرت بی خبر از نورانی بودن منطقه بقصد کسب خبر یا گرفتن گیرانه‌ای از آتش، برای گرم کردن اهل بیتش، گام به آن مکان مقدس گذاشته مخاطب ندای رب العالمین می گردد و بفرمان خداوند عزیز و حکیم عصای اژدها شونده و ید بیضاء (دو معجزه انذار و بشارت دهنده و نورانی) را به همراه ۹ آیت دیگر برای هدایت فرعون و قوم فاسقش تحویل و به سوی آن مستکبر به همراه این آیات آگاهی بخش گسیل می گردد. اما آنها همه این نشانه‌ها را سحر و جادو نامیده علیرغم یقین به حقانیت آن به دلیل ظلم و خودبرتر بینی که موجب فساد نفس آنان شده بود، آنرا انکار می نمایند. در این ۸ آیه به طور اجمال درگیری با نظام ظالم و فاسد و سرکش را که همه حقایق را انکار می کردند، نشان می دهد. و این خود درس بزرگی برای پیامبر خاتم بشمار می رود که معجزات بزرگ و فراوان نیز مردم مستکبر و مسرف را هدایت نمی کند.

دومین داستان این سوره که مفصل ترین آنها بوده و نام سوره (نمل) نیز از متن آن اقتباس گردیده است به حضرت سلیمان (ع) اختصاص دارد. در باره این پیامبر عظیم‌الشان در سوره‌های دیگر نیز مطالب شگفتی خواننده‌ایم، اما آنچه در این سوره بیان شده به تناسب با سیاق آن، که فتنه و ابتلاء و مشکلات راه ایمان می باشد، عمدتاً از «جنود» و لشکرکشی عجیب و حیرت‌آور سلیمان به سرزمین ملکه سبا یاد می کند و رنگ جنگ و تهدید و خشونت دارد. در این ماجرا علت درافتادن با قوم سبا موضوع شرک و پرستش خورشید عنوان می شود و ذکری از ظلم و فساد (همچون قوم فرعون) به میان نمی آید. بنابراین این داستان رسالتی است در جهت توحید و نفی شرک و تعبیر قرآن از آن مردم، راه نیافتن به حق به دلیل تزئین اعمالشان توسط شیطان است ( و جدتها و قومها یسجدون للشمس من دون الله وزین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل فهم لایهتدون).

در این داستان مسئله «تسلیم» به خدا (که نام سلیمان هم از آن اقتباس شده) و کلمات شکر و کفر نقش اساسی ایفاء می نمایند. به طوری که ۴ بار کلمه تسلیم و ۴ بار کلمه شکر در آن تکرار شده است، تسلیم مقدمه ایمان و در مراتب بعدی کمال ایمان را نشان می دهد که موضوع اصلی سه سوره این مجموعه می باشد.

سومین داستان این سوره در باره قوم ثمود و رسالت توحیدی حضرت صالح است (لقد

ارسلنا الی ثمود اخاهم صالحاً ان اعبداوالله فاذاهم فریقان یختصمون).

مطابق سیاق سوره، در اینجا نیز به جنبه های فتنه و ابتلاء و درگیری و تضاد و تخاصم از ماجرای رسالت حضرت صالح اشاره شده است. شکل گیری دو گروه متخاصم (مومن و کافر)، تبه کاری ۹ تیره فاسد در شهر و عدم بازگشت آنان به اصلاح، توطئه دسته جمعی این مفسدین برای شیخون زدن به حضرت صالح و اهلش و قتل دسته جمعی آنها، انواع مکرها و حيله هايي که علیه حرکت توحیدی بکار بردند و... جالب این که حضرت صالح آنها را مردمی که در فتنه (آزمایش) قرار گرفتند می نامد (بل انتم قوم تفتنون) که محور این مجموعه می باشد. پیروان آن حضرت نیز بدلیل ایمان و تقوی (اعتقاد و عمل) نجات یافتند (وانجینا الذین آمنوا و کانوا یتقون).

و بالاخره آخرین داستان این سوره در باره حضرت لوط و قوم فاسد و آلوده به فحشاء و منحرفی می باشد که پاکیزگی و عفت را عیب می شمردند (فما کان جواب قومه الا ان قالوا اخرجوا آل لوط من قریتم انهم اناس یتطهرون). در این ماجری نیز از تهدیدهای این قوم علیه آل لوط سخن به میان می آورد و مشکلات مؤمنین و رسولان را در حرکت های علیه فساد و تباهی نشان می دهد. بنابراین از این جهت با سه داستان دیگر هماهنگی دارد.

بخش مربوط به داستان رسولان که جمعیاً ۵۳ آیه (حدود ۶۰٪ سوره) می باشد، با ستایش خدا و سلام بر بندگان برگزیده او و این سوال که خدای یکتا بهتر است یا آنچه شرک می ورزند؟ خاتمه می یابد (قل الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی الله خیر اما یشرکون)، از آن به بعد ۵۱ آیه در باره توحید خالص و ۱۰ آیه در باره بعثت و آخرت و خروج آدمیان از گور برای رسیدن به جزای اعمال آمده است که نشان می دهد محور اساسی نتیجه گیری هایی که از داستان رسولان ۴ گانه در این سوره برای آموزش مومنین معاصر پیامبر اسلام می شود، در ارتباط با دو مسئله توحید و آخرت می باشد. سرانجام در اواخر این سوره با دستور توکل به پیامبر و اطمینان قلبی از این که بر راه حق آشکاری قرار دارد، آن حضرت را از انتظار ایمان آوردن کسانی که دلشان کر و کور است مأیوس می نماید و کسانی را حق طلب می نامد که به آیات الهی ایمان آورده و تسلیم باشند.

به دنبال این مطلب، ۹ آیه بعد در باره روز حشر و دو دسته شدن مردم در آنروز بر حسب عملکردشان می باشد و بالاخره در دو آیه آخر سه دستور اساسی به پیامبر می دهد:

۱- تعبد و تسلیم مطلق به پروردگار شهر و حریم امن (مکه) که مالک همه چیز است.

۲- تلاوت قرآن برای هدایت مردم و تاکید بر این که من فقط بیم دهنده هستم (اجباری

در کارم نیست).

۳- ستایش خدا و امیدواری بر اینکه بزودی نشانه‌های او آشکار شده مردم آن را خواهند شناخت و این که پروردگار از عمل بندگان غافل نیست.

### سوره قصص (۲۸)

سوره قصص سومین (و آخرین) سوره از مجموعه‌ای است که با حروف مقطعه طسم (شعراء و قصص) و طس (نمل) آغاز می‌شوند. بخش عمده و اصلی این سوره همچون سوره شعراء در باره رسالت حضرت موسی می‌باشد. با این تفاوت که در سوره شعراء رسالت ۶ پیامبر دیگر نیز اجمالاً شرح داده شده ولی در سوره قصص تنها داستان حضرت موسی نقل گردیده است. طرح خود داستان نیز در دو سوره متفاوت است، در سوره شعراء عمدتاً از تکذیب رسالت و عملکرد جناح مقابل (فرعون و جنودش) گفتگو شده در حالی که در سوره قصص بیشتر ابعاد ایمانی قضیه و ماجرای شیرین و آموزنده زندگی حضرت موسی از تولد به بعد حدیث شده است. البته در هر دو سوره مشکلات و مصائب آن حضرت را شرح داده ولی در سوره شعراء مشکلات تبلیغ رسالت و درگیری با فرعون و ساحران، و در سوره قصص گرفتاری‌ها و رنج‌هایی را که مشخصاً در طول زندگی قبل از رفتن نزد فرعون داشته بیان کرده است. بطور کلی با مقایسه متن و بخصوص اولین آیات این دو سوره می‌توان چنین نتیجه گرفت که سوره شعراء از تکذیب و «بی‌ایمانی» در داستان حضرت موسی نشانه می‌آورد و در سوره قصص از «ایمان» و صحنه‌های شورانگیز خداجویی و خلوص (مادر موسی، موسی، دختران شعیب، شعیب)

سوره شعراء: طسم، تلک آیات الکتاب المبین لعلک باخع نفسک الا یکونوا مومنین  
سوره قصص: « « « « « نتلوا علیک من نبأ موسی و فرعون  
بالحق لقوم یؤمنون.

اگر متن دو سوره را مقایسه کنیم، مشاهده می‌نماییم که در سوره شعراء از داستان مفصل حضرت موسی تنها بخش رویارویی با فرعون شرح داده شده است که مراحل مهم آن عبارتند از: اخذ ماموریت الهی برای رفتن به سوی قوم ظالم فرعون و هشدار به بیم و تقوای الهی، ترس حضرت موسی از تکذیب فرعون و تعقیب کیفری او (بدلیل قتل قبطنی)، نگرانی از لکت زبان در ادای مطلب، احتجاج با فرعون، تکذیب فرعون، ارائه معجزات، مواجهه با

ساحران و مقابله حق و باطل، ایمان ساحران و تهدیدهای شدید فرعون، فرار شبانه بنی اسرائیل از مصر، تعقیب لشکر فرعون و غرق شدن در نیل.

اما سوره قصص اراده همیشگی خدا برای رهایی مستضعفین از چنگال مستکبرین و حاکم ساختن آنان بر سرزمین و سرنوشت خویش را یادآوری می‌کند و داستان از وحی خداوند به مادر موسی برای افکندن نوزاد خود به نیل آغاز می‌شود و دل‌نگرانی‌های او را، که ابتلائی برای ایمان‌اش بود (لتكون من المومنین) شرح می‌دهد. همچنین از آب گرفته شدن موسی توسط آل فرعون تا در دل دشمن پرورش یافتن (فالتقطه آل فرعون ليكون لهم عدواً و حزناً)، آنگاه بازگرداندن طفل به مادر، بزرگ شدن موسی و ایتاء حکم و علم، نفوذ در میان مردم و پیدا شدن هواداران، درگیری با قبطیان و کشتن فردی از آنها، فرار با ترس و نگرانی از مصر به مدین، ره یافتن به نزد شعیب پیامبر و ۱۰ سال چوپانی و زندگی و آموزش در کنار آن پیر باتجربه، ترک مدین بسوی مصر و گام نهادن در وادی ایمن و مخاطب کلام و ماموریت الهی قرار گرفتن و سرانجام مواجهه و مجادله با فرعون و غرق شدن آل فرعون و دادن کتاب به حضرت موسی.

ویژگی‌های فرعون و جنودش - در این سوره مشخصات متعددی از فرعون و آل او و همچنین ملاء و مقاماتش سراغ داده است. اولاً همه اینها را خطاکار می‌شمارد (ان فرعون و هامان و جنودهما كانوا خاطئين) <sup>۱</sup> و جای دیگر از استکبار فرعون و سپاهیان‌ش یاد می‌کند (واستكبرهو و جنوده فی الارض بغير الحق)، <sup>۲</sup> که نشانه خود بزرگ‌بینی و احساس قدرتمندی است. اما وقتی از فرعون و ملاء و مقامات کشوری‌اش سخن می‌گوید، در اینجا روی فسق، که همان خروج از حریم حق و آمادگی برای فساد است، انگشت می‌گذارد (...فرعون و ملائه انهم كانوا قوماً فاسقين)، <sup>۳</sup> یعنی اگر مشخصه سپاهیان‌ش استکبار بود، مشخصه درباریان‌ش فسق بشمار می‌رفت. در مورد خودش نیز وقتی به تنهایی معرفی می‌شود، قرآن صفت استعلا (خود برتر بینی) را بکار برده است (ان فرعون علا فی الارض) <sup>۴</sup> و بالاخره در انتهای شرح ماجرای قارون (ثروتمند افسانه‌ای که با اتکاء و وابستگی به نظام فرعون‌نی از طریق استثمار بنی اسرائیل و نزول خواری از آنها، رأس مالی مثلث زر و زور و تزویر را تکمیل می‌کرد) کلمه «فساد» (به هم خوردن نظم و عدالت اقتصادی و اجتماعی

۱. آیه ۸

۲. آیه ۳۹

۳. آیه ۳۲

۴. آیه ۴

و... را به کلمه علو اضافه می نماید (تلك الدار الاخره نجعلها للذين لا يريدون علواً في الارض ولا فساداً والعاقبة للمتقين)<sup>۱</sup>

در این سوره صفت عمومی «ظالم» نیز، همچنان که در سوره شعراء به فرعون و آتش نسبت داده شده، به کار رفته است. اما عموماً به صورت فرعی و در ضمن شرح مراحل و مراتب سیر ایمانی حضرت موسی و ابتلائات آن پیامبر. ذیلاً به این آیات اشاره می کنیم:

آیه (۲۱) فخرج منها خائفاً يترقب قال رب نجني من القوم الظالمين.

آیه (۲۵) فلما جاءه و قص عليه القصص قال لا تخف نجوت من القوم الظالمين.

آیه (۳۷) قال موسى ربى اعلم بمن جاء بالهدى من عنده و من تكون له عاقبه الدار انه لا يفلح الظالمون.

آیه (۴۰) فاخذناه و جنوده فنبذناهم فى اليم فانظر كيف كان عاقبه الظالمين.

در برابر صفات منفی و رذائل اخلاقی فوق که از فرعون و اطرافیان سرخ می دهد، صفات مثبت و کمالات نفسانی ویژه‌ای را از طرف مقابل ماجری (موسى، شعيب، مادر موسى و...) نشان می دهد که عبارتند از: هدایت طلبی، توبه و استغفار، ایمان (مومنین)، احسان (محسنين)، اصلاح (صالحين)، خیراندیشی (ناصرين) و امانت (امين)، شرم و آزر (حياء) و...

وجه تسمیه سوره - نام این سوره از آیه ۲۵ آن که نقل ماجرای فرار حضرت موسی از آل فرعون و پناه آوردنش به مدین، از زبان آن حضرت برای حضرت شعيب (عليهما السلام) می باشد گرفته شده است (... فلما جاءه و قص عليه القصص قال لا تخف نجوت من القوم الظالمين). قصص (جمع قصه، سرگذشت) در زبان فارسی به حکایت مشغول کننده کودکان که برای سرگرمی و به خواب بردن آنها نقل می گردد گفته می شود و راست و دروغ بودنش اهمیتی نداشته هدف و منظوری برای تربیت و اصلاح از آن اراده نمی گردد. آیا منظور خداوند از سوره «قصص» و شرح ماجرای جذاب و شگفت آور حضرت موسی، از دوران تولد و افکنده شدن در نیل، تا زندگی در کاخ فرعون و فرار بسوی مدین و آشنایی اتفاقی با دختران شعيب و راه یافتن به خانه آن حضرت و دوران چوپانی و ازدواج و... برای سرگرمی و مشغول کردن مسلمانان بوده است یا منظور و هدف دیگری مورد نظر می باشد؟ اتفاقاً معنای دقیق این کلمه را، به طوریکه عمیقاً شناخته گردد، در آیه ۱۱ همین سوره می توان دریافت کرد (و قالت لاخته قصيه فبصرت عن جنب وهم لا يشعرون) در این آیه مادر موسی به خواهرش توصیه می نماید در پی موسی به تعقیب و جستجو بپردازد و از آنچه بر او در کاخ فرعون روی داده پیگیری نماید. او نیز از فاصله‌ای دور، بدون آنکه آنها متوجه باشند، قضایا را تحت



نظر می‌گیرد. تا آنجا که وقتی می‌بیند طفل هیچ شیری را نمی‌پذیرد، آنها را به سوی مادرش (که برای آل فرعون ناشناخته بود) راهنمایی می‌کند و به این وسیله موجب بازگرداندن موسی به مادرش می‌گردد.

در این آیه معنای کلمه «قَصَّ» در پیگیری و کنجکاویِ مسئولانه و جدی نسبت به امری که شناخت و اهتمام به آن کمال اهمیت را دارد، تجلی می‌نماید. بنابراین وظیفه کسی که سوره قصص را می‌خواند، فراتر رفتن از ظواهر جذب‌کننده داستان و تدبر در نتایج و نکات آموزنده‌ای است که از آن گرفته می‌شود و بکار بردن آن بطور عملی در زندگی شخصی و اجتماعی خویش.

### نتیجه‌گیری داستان

تا آیه ۴۳ این سوره در باره داستان حضرت موسی است، نیمه دوم سوره به نتیجه‌گیری از این داستان برای معاصرین پیامبر اسلام پرداخته است. اولاً شرح این ماجرا را نه به عنوان یک قصه، بلکه به عنوان انداز (هشدار از خطر) مردمی که قبلاً هشدار دهنده‌ای نداشته‌اند و برای تذکر آنها مطرح می‌نماید (آیه ۴۶) تا حجت بر آنها تمام شده نتوانند ادعا کنند که اگر رسولی برای آنها می‌آمد پیرو نشانه‌های خداوند شده و از مؤمنین می‌گشتند (۴۷) در حالی که همه این حرفها بهانه است و آنها جز پیروی از هوای نفس دنبال حقیقتی نبوده همواره کفران و تکذیب می‌کرده‌اند.

آیات ۵۲ تا ۵۵ مومنین واقعی از اهل کتاب را که تسلیم خدا و صابر در راه حق هستند معرفی و مشخصات آنها را در روابط با مخالفین توصیف می‌نماید و بالاخره در آیات بعد از آزادی و اختیار در پذیرش دین، حیات دنیا و هلاکت دنیاپرستان، آخرت و عذاب، رحمت خدا، قارون، وعده بازگشت به مکه و... یاد می‌کند. و سرانجام سوره را با توصیه به پیامبر برای تکیه به قرآن و دعوت خالصانه توحیدی بسوی خدا و اطمینان قلبی از این که همه چیز جز وجه او (راه و مقصد و هدف خدایی) هالک و بی‌حاصل و رجوع خلاق همگی به سوی او است خاتمه می‌دهد.

ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد، قل ربی اعلم من جاء بالهدی و من هو فی ضلال مبین.

وما کنت ترجوا ان یلقى الیک الكتاب الا رحمة من ربک فلا تکونن ظهیراً للکافرین.  
ولا یصدنک عن آیات الله بعد اذ انزلت الیک و ادع الی ربک ولا تکونن من المشرکین.  
ولا تدع مع الله الهاً اخر لا اله الا هو کل شیء هالک الا وجهه له الحکم والیه ترجعون.